



آیا مسیحیت راهی آسان برای رسیدن به کمال و قرب الهی است؟

در ابتدا پرسش بسیار عجیب می نماید که چگونه می تواند دینی که نسبت به آئین پس از خود ناقص است، در رساندن انسان به کمال و قرب الهی که هدف اساسی ادیان است، موفق تر و آسان تر باشد؟ اما هنگامی که انسان با تبلیغات مسیحیان و به آموزه ها و احکام مسیحیت برخورد می نماید، هدف از این گفته را متوجه می شود که چرا چنین بیان می شود....

در ابتدا پرسش بسیار عجیب می نماید که چگونه می تواند دینی که نسبت به آئین پس از خود ناقص است، در رساندن انسان به کمال و قرب الهی که هدف اساسی ادیان است، موفق تر و آسان تر باشد؟ اما هنگامی که انسان با تبلیغات مسیحیان و به آموزه ها و احکام مسیحیت برخورد می نماید، هدف از این گفته را متوجه می شود که چرا چنین بیان می شود.

در دین مسیحیت فعلی ما با احکام و تکالیف چندانی برخورد نمی کنیم، همه چیز در آن به آسانی حل می شود و با تسامح و تساهل از کنار هر چیزی می گذرد اما آیا مسیحیت واقعی چنین است؟ آیا آن چه را که حضرت عیسی به پیروان خود گفته بود، این است که شما بدون سعی و تلاش می توانید به کمال و قرب الهی برسید؟ آیا برخلاف حکم الهی در قرآن سخن گفته است که می فرماید: "لیس للانسان الا ما سعی؛ (1) برای هیچ انسانی نیست مگر به همان اندازه که کوشش و تلاش نموده است"؟ واقعیت این است که این مسئله برخلاف تعالیم حضرت مسیح و برخلاف عقل سلیم است.

چیزی که به نام مسیحیت امروز وجود دارد، جز فاصله گرفتن از پیام پیامبر آسمانی نیست.

حضرت مسیح فرمود که من نیامده ام تا تورات را باطل سازم، بلکه می خواهم آن را به کمال برسانم. این نکته حتی در انجیل وجود دارد. بدین ترتیب تمام آن چه از احکام و تکالیف در دین یهود وجود داشته، در مسیحیت وجود دارد، به اضافه تکالیفی که حضرت مسیح فرموده است. هنگامی که به تکالیف دینی یهود نگاه می کنیم، متوجه می شویم که وظایف سنگین در آن فراوان است، که به عنوان نمونه می توان به موارد ذیل اشاره کرد: سنگسار در ازای عبادت شرک آلود، کشتن تمامی افراد بیگانه، کشته شدن در ازای بی احترامی به پدر و مادر، کشته شدن در ازای کار کردن در روز شنبه و...

در دین مسیحیت همه این احکام معتبر است، به اضافه چیزهایی مانند رهبانیت و ترک ازدواج که منطقی نبوده و اصولاً به طور عام قابل پیاده شدن نیست.

اما امروزه در دنیای مسیحیت این احکام و تکالیف به کلی نادیده گرفته می شود و یا فقط عده ای خاص که تارک دنیا و راهب شده اند، به این تکالیف توجه نموده و عمل می کنند و در واقع مسیحیان واقعی چنین افرادی هستند.

بنابراین آن چه در تبلیغات وانمود می شود که مسیحیت راه و شریعت آسان برای رسیدن به خدا است، کاملاً نادرست است.

در عین حال این باور از نظر قرآن و عقل سلیم کاملاً مردود است. قرآن می گوید: تنها در نتیجه سعی و تلاش می توان به کمال و قرب الهی رسید.

نابره رنج گنج میسر نمی شود مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

از پیشوایان معصوم (ع) آمده است که: "بهشت با سختی ها پیچیده شده و دوزخ با شهوات" هر عمل نیک اگر چه ذره ای باشد، انسان پاداش و کیفر آن را می بیند. هیچ گاه کار نیک و بد با هم یکسان نیستند.

دهقان سالخورده چه خوش گفت با پسر کاک نور چشم من به جز از کشته ندروی

انسان باید برای رسیدن به مقام قرب الهی، راه های بسیار را طی نموده و با سختی ها و مشکلات بسیاری آزموده شود. پس از موفقیت در آزمون ها و عبور از سختی ها و در افتادن با دیوان و ددان و پشت کردن به هواهای نفسانی و پشت سر گذاشتن وادی های بسیار است که به مقام قرب الهی می رسد.

انسان موجودی است که تنها در سایه موفقیت درآمده های الهی (که احکام و تکالیف از آن جمله اند) که در دنیا واقعی می شود، می تواند به بالاترین مراتب کمال دست یابد، همانند فلزی که در کوره های مختلف، حرارت و آب دیده می شود تا سرانجام فلز خالص به دست آید. هر چه بیشتر حرارت ببیند و از صافی های بیشتری رد شود، خالص تر می شود.

البته این بدان معنا نیست که اگر انسان به بالاترین مرتبه دست نیافته، بدبخت و شکست خورده باشد، بلکه انسان ها متفاوت اند، و هر یک از آن ها می تواند به

مراتبی از کمال و قرب الهی نائل شود. هر چه تلاش و مجاهدت و موفقیت در آموه های الهی بیشتر باشد، قرب به حق تعالی بیشتر است.

مسیحیت فعلی نه تنها آسان تر و بهترین راه برای رسیدن به سعادت و کمال نیست، بلکه حتی در حد دین مسیحیت واقعی (که نسبت به دین اسلام ناقص تر است) موفق نمی باشد و نمی تواند به سعادت و قرب الهی برساند.

وجود جعل و تحریف در اناجیل که به وسیله حواریون پس از عروج حضرت عیسی نوشته شده اند، کاملاً مشهود است. این آیین آسمانی از جمله ادیانی است که از دستبرد زمان و تحریف سودجویان و فتنه منجران در امان نمانده و در موارد بسیاری دچار اشتباه و نقصان شده است. در نتیجه امروز دیگر حتی نمی توان بر این آیین به عنوان طریقی برای کمال و قرب الهی پای فشرد و آن را پذیرفت، تا چه رسد به آسان ترین و بهترین راه.

- نجم (53) آیه 39